



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما در مواردی که فقط یجب القضاء دون الکفارة بود و مورد چهارم درباره کسی بود که به گمان اینکه شب باقی است مرتکب یکی از مفطرات شده ولی بعداً معلوم شده در آن موقعی که مشغول ارتکاب مفطر بوده صبح شده بوده، عرض کردیم که قاعدتاً این روز صبح نیست چونکه روزه عبارت است از امساک از طلوع فجر تا غروب در حالی که در فرض مذکور بعد از طلوع فجر مرتکب مفطر شده است بنابراین اگر ما باشیم و قاعده اقتضا می کند که روزه باطل باشد و اگر روزه اش باطل شد قضا دارد. حالا می خواهیم ببینیم که از حجج شرعیه کاری برمی آید یا نه؟ یکی از حجج شرعیه ای که در اینجا وجود دارد استصحاب لیل می باشد اما این استصحاب در اینجا کارایی ندارد و اگر جاری هم بشود حکم تکلیفی را درست می کند در حالی که بحث ما در حکم وضعی می باشد یعنی استصحاب لیل اقتضا می کند که خوردنش جایز باشد اما این یک حکم تکلیفی می باشد در حالی که بحث ما در حکم وضعی می باشد و حکم وضعی آن است که این شخص در حقیقت روزه نگرفته زیرا روزه آن است که انسان از طلوع فجر تا غروب امساک کند ولی در فرض مذکور وقتی که در حال خوردن و آشامیدن بوده فجر طالع شده بوده به عبارت دیگر چونکه کشف خلاف برایش شده لذا استصحاب در اینجا کارایی ندارد و حتی در صورتی که دو شاهد عادل هم شهادت بدهند که صبح نشده نیز شهادت آنها فقط اقتضا می کند که تکلیفاً خوردن برایش جایز باشد منتهی بحث ما در جایی است که بعداً برایش کشف خلاف شده یعنی معلوم شده که خوردن و آشامیدنش در روز واقع شده بوده یعنی در واقع روزه محقق نشده لذا حتی اگر در بین حجج شرعیه ای مثل استصحاب یا شهادت عدلین هم داشته باشیم کارایی ندارند و مقتضی اجزاء نمی باشند زیرا مأمور

به واقعی اتیان نشده و هر کجا چنین باشد ما برای اجزاء دلیل لازم داریم در حالی که در این جاها ما دلیلی برای اجزاء نداریم، خلاصه اینکه اگر ما باشیم و قاعده اقتضا می کند که در این موارد کلاً روزه باطل باشد زیرا این شخص در بین الحدین (طلوع فجر تا غروب) امساک نکرده فقط در یک جا اهل بیت (ع) برخلاف قاعده فرموده اند که روزه اش صحیح است که آن خبر سماعه بود که دیروز خواندیم یعنی خبر ۳ از باب ۴۴ از ابواب مایمسک عنه الصائم که در آن گفته شده بود؛ اگر بعد از نظر و دقت و تحقیق لم یرافجر ولی بعداً معلوم شد که صبح بوده روزه اش صحیح است ولی اگر مراعات و تحقیق نکرده باشد روزه اش باطل است، البته این یک حکم تعبدی می باشد یعنی اگر این روایت نبود ما می گفتیم در همه موارد روزه اش باطل است منتهی به خاطر وجود این خبر بین کسی که مراعات و تحقیق کرده با کسی که مراعات و تحقیق نکرده فرق قائل می شویم.

مطلب دیگری که باید عرض کنیم این است که در این مسئله بین ما و عامه اختلاف نظر وجود دارد لذا سید مرتضی در انتصار در مسئله ۱۴ از کتاب الصوم فرموده اند که این مسئله از منفردات امامیه می باشد و بعد این بحث را مطرح کرده اند و فرموده اند که ما امامیه قائلیم که اگر تحقیق و مراعات کرده بوده و لم یرافجر روزه اش صحیح است و إلاً روزه اش باطل است و باید آن روز را قضا کند خلافاً للأبوحنیفه و أصحابه و الشافعی که می گویند القضاء علی کل حال زیرا وقتی که این شخص می خورده فجر طالع شده بوده، و مالک می گوید اگر صوم مستحبی باشد قضا ندارد ولی در صوم واجب قضا دارد و عطا و حسن بصری می گویند اصلاً قضا ندارد، بنابراین همانطور که می بینید هیچکدام از علمای عامه مثل ما قائل به تفصیل نشده اند ولی ما طبق خبر امام صادق (ع) (خبر موثقه سماعه خبر ۳ از باب ۴۴ از ابواب مایمسک عنه الصائم) قائلیم که اگر مراعات و تحقیق کرده باشد فلم یرافجر روزه اش صحیح است و قضا هم ندارد و إلاً فلا، و از این گونه کلمات ائمه (ع) معلوم می شود که آنها به فتاوی معمول عامه در زمان خودشان نظر داشته اند. خوب حالا می رویم

عُمیر عن حمّاد ، عن الحلبي ، عن أبي عبد الله أنه سُئل عن رجل تسحر ثم خرج من بيته و قد طلع الفجر و تبين ؟ قال : يتمّ صومه ذلك ثم ليقضه ... الحديث .»

اسناد شیخ طوسی به ابن ابی عمیر صحیح است و خود او هم از اجلای روایات ما می باشد و همانطور که می بینید در این خبر شارح تعبداً فرق می گذارد بین اینکه خود انسان مباشرةً تحقیق و تتبع بکند و بین اینکه کس دیگری به انسان خبر بدهد یعنی اگر خودش تحقیق و تتبع کند روزه اش صحیح است ولی اگر دیگری به انسان بگوید روزه اش صحیح نیست ، و همانطور که عرض کردیم از کلمه **إقضه** که در روایت ذکر شده می فهمیم که مراد صوم ماه رمضان است زیرا روزه های غیر از ماه رمضان قضا ندارند و اگر باطل شوند باید دوباره آنها را بگیرند لذا صاحب عروة در آخر کلامشان فرمودند ؛ **بل الأقوی فیها ذلك حتی مع الماعة و اعتقاد بقاء الليل** زیرا مراعات و تحقیق مخصوص صوم ماه رمضان می باشد نه روزه های دیگر .

خوب بحثمان در مورد پنجم بود که به عرضتان رسید و دلیل بر این مورد پنجم همین خبر ۱ از باب ۴۶ از ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد زیرا حضرت در جواب فرموده اند اگر خودت می رفتی و تحقیق می کردی که آیا فجر طالع شده است یا نه روزه ات صحیح بود یعنی چونکه خودت نرفتی و جاریه ات را فرستادی اثری ندارد و روزه ات صحیح نمی باشد .

« **السادس : الأكل إذا أخبره مخبر بطلوع الفجر لزعمه سخرية المخبر أو لعدم العلم بصدقه** . »

خوب این مورد هم واضح و روشن است زیرا فقط یکجا استثنا شده بود و آن در جایی بود که خود شخص مباشرةً برود و تحقیق کند و ببیند که آیا فجر طالع شده است یا نه و در این رابطه روایت هم داریم یعنی خبر ۱ از باب ۴۷ از ابواب مایمسک عنه الصائم که در ص ۸۴ از جلد ۷ از وسائل ۲۰ واقع شده است ، خبر این است : « **محمد بن الحسن بإسناده عن الحسين بن سعيد ، عن محمد بن أبي**

سراغ عروة صاحب عروة می فرمایند پنجمین مورد از مواردی که فقط قضا دارد دون الکفارة عبارت است از : « **الخامس : الأكل تعويلاً على من أخبر ببقاء الليل و عدم طلوع الفجر مع كونه طالماً** . »

اگر کسی به قول شخص دیگری که می گوید شب باقی است و فجر طالع نشده است اعتماد کند و چیزی بخورد ولی بعداً معلوم شود که فجر طالع شده بوده باید قضای آن روز را بجا بیاورد ، و در فرض مذکور فرقی نمی کند که مخبر چه کسی باشد یعنی ولو اینکه عدلین باشند ، البته صاحب جواهر در ص ۱۷۰ از جلد ۱۷ جواهر فرموده که بعضی ها مسئله را تفصیل داده اند و گفته اند اگر مخبر عدلین باشند قضا ساقط می شود ( والقائل به الشهيدین و المحققین ) ولی خو صاحب جواهر این تفصیل را قبول نمی کند زیرا بحث ما در جایی است که کشف خلاف شده یعنی اکل در صبح واقع شده است لذا دیگر قول عدلین هم کارایی ندارد یعنی قول آنها موجب اجزاء نمی شود زیرا مأموریه واقعی محقق نشده است .

یک بحثی از مورد چهارم باقی می ماند و آن اینکه صاحب عروة در آخر کلامشان فرموده اند : « **ولا فرق فی بطلان الصوم بذلك بین صوم رمضان و غیره من الصوم الواجب و المندوب بل الأقوی فیها ذلك حتی مع المراجعة و اعتقاد بقاء الليل** . »

علت اینکه ایشان فرموده اند ؛ **الأقوی فیها ذلك** این است که ایشان می خواهند بگویند که آن حدیث سماعه مخصوص ماه رمضان است زیرا در آن خبر کلمه **ويقضى** ذکر شده و معلوم است که فقط اگر صوم ماه رمضان به هم بخورد قضا دارد و روزه های دیگر این طور نیستند ، و بنده در اینجا نوشته ام ویدل علیه خبر ۱ از باب ۴۶ از ابواب مایمسک عنه الصائم که در ص ۸۴ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است ، خبر این است : « **محمد بن الحسن بإسناده عن الحسين بن سعيد ، عن محمد بن أبي**

خلاف نشده بود اخبار آنها مجزی بود ولی فرض بر این است که کشف خلاف شده است، بقیه بحث بماند برای فردا... .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین

یحیی ، عن عیص بن القاسم قال : سألت أبا عبدالله (ع) عن رجل خرج فی شهر رمضان و أصحابه یتسحرّون فی بیت فنظر إلى الفجر فناداهم أنه قد طلع الفجر فكف بعض و ظن بعض أنه یسخر فأكل فقال : یتّم و یقضی .

خبر سنداً صحیح می باشد و دلالتش بر مورد ششم واضح و روشن می باشد و از طرفی قاعده هم اقتضا می کند که روزه اش صحیح نباشد زیرا بعد از طلوع فجر مرتکب مفطر شده اند ، و علت عدم وجوب كفارة در این موارد این است که كفارة در جایی ثابت است که انسان بعد از اینکه روزه بود عمداً روزه اش را باطل کرده باشد در حالی که ما داریم درباره آغاز روزه بحث می کنیم لذا كفارة در این موارد ثابت نیست و اگر شك هم بکنیم اصل عدم كفارة می باشد .

« السابع : الإفطار تقلیداً لمن أخبر بدخول الليل و إن كان جائزاً له لعمی أو نحوه و کذا إذا أخبره عدل بل عدلان بل الأقوی وجوب الکفارة أيضاً إذا لم یجز له تقلید . »

این مورد برخلاف موارد گذشته درباره پایان روزه می باشد و فرقیان در این است که در موارد قبلی استصحاب لیل اقتضا می کرد که تکلیفاً خوردن برای آن شخص جایز باشد ولی در این مورد استصحاب نهار اقتضا می کند که خوردن برای این شخص حرام باشد خلاصه اینکه در فرض مذکور در مسئله چونکه این شخص بعداً برایش کشف خلاف شده و متوجه شده که در روز مرتکب مفطر شده لذا باید بعداً روزه اش را قضا کند زیرا مأموریه واقعی را انجام نداده یعنی روزه محقق نشده . خوب همچنین اگر عدل و عدلان أخبره بدخول الليل نیز روزه اش باطل است و باید بعداً آن روز را قضا کند زیرا عدل و عدلان نمی توانند واقع را تغییر دهند چون واقعی که از این شخص خواسته شده امساک از طلوع فجر تا غروب آفتاب می باشد که در اینجا محقق نشده است لذا اخبار عدل و عدلان مجزی نمی باشد البته اگر کشف